

نوشته ام. بوبو هاما
و ژوزف کی - زربو

پویایی

در دید نخست و با مطالعه بسیاری از آثار قوم‌شناسی این گمان در انسان بوجود می‌آید که آفریقاییان در گذشته در زمان اسطوره‌یی یعنی در اقیانوس بیکرانی که در آن هیچگونه نشانه‌یی برای راهنمایی وجود ندارد فرورفته و گویی در آن غرق شده بودند در حالیکه ملل دیگر راه تاریخ یعنی شاهراه وسیعی را که با مراحل ترقی نشانه‌گذاری شده است بدون درنگ پیموده‌اند. در حقیقت اسطوره و به بیان دیگر تصویر موهوم گذشته غالباً بر اندیشه آفریقاییان در مفهومی که از جریان زندگی ملل در ذهن آنها ایجاد شده است تسلط دارد و این تسلط تا بدان حد است که گاه انتخاب و مفهوم حوادث واقعی می‌بایست از یک «الگوی» اسطوره‌یی که تا پیش پا افتاده‌ترین اعمال پادشاه یا ملت را از پیش معین و مقدر میسازد پیروی کند. بدینسان، اسطوره در شکل آداب و رسوم که زاینده ماوراء زمان‌اند بر تاریخ حکمفرما بوده و در عین حال توجه آن را بهمهده داشت. در چنین شرایطی، دو خصوصیت جالب اندیشه آفریقایی در مورد تاریخ پدید می‌آیند که یکی از آنها جنبه فارغ بودن اندیشه از قید زمان و دیگری بعد ضرورتاً اجتماعی آنست.

در چنین وضعی، در واقع زمان را نمیتوان توالی دائمی لحظات و استمرار آن بحساب آورد که بر سرنوشت انفرادی تأثیر میکند بلکه باید آنرا آهنگ موزون تنفسی گروه اجتماعی بشمار آورد. به بیان دیگر نمیتوان آنرا رودخانه‌یی دانست که از منبعی شناخته شده تا مصبی معلوم در یک جهت واحد جریان دارد. زمان سنتی آفریقا ابدیت را در هر دو جهت آن دربرمیگیرد و با آن درهم می‌آمیزد. برای زمان حال، نسلهای گذشته نسلهایی نیستند که نابود شده باشند بلکه آنها به شیوه خاص خود همیشه بصورت نسلهای معاصر باقی می‌مانند. نسلهایی که اگر نگوییم نفوذی بیش از نفوذ دوران زندگی خود بدست می‌آورند دست کم همان نفوذی را که در دوران زندگی خود داشتند حفظ میکنند.

در این شرایط علیت البته از گذشته بسوی زمان حال و از زمان حال بسوی آینده یعنی در جهت مستقیم عمل میکنند و آنها نه تنها از طریق تأثیر وقایع و حوادث گذشته بلکه از طریق یک دخالت مستقیم که در هر جهتی میتواند موثر واقع گردد. هنگامیکه «کانکو موسی» امپراطور مالی «از ۱۳۱۲ تا ۱۳۳۲»، سفیری نزد پادشاه «یاتنگه» فرستاد تا از او بخواهد که به دین اسلام بگردد وی در پاسخ تقاضای سفیر گفت که پیش از اتخاذ چنین تصمیمی باید با اجدادش مشورت کند. در اینجا

۲۱. بوبو هاما M. Boubou Hama از اهالی نیجریه است که در گذشته ریاست مجمع ملی را در این کشور بعهده داشته است. این دانشمند آثار فراوانی در زمینه قلمروهای سلطنتی دره نیجر برشته تحریر درآورده و در نوشتن آنها بیشتر از روایات شفاهی الهام گرفته است. او همچنین برای جمع‌آوری و حفظ و نگهداری کتابهای خطی قدیمی که به زبان‌های عرب و عجم (متن‌هایی که به زبان آفریقایی و با حروف عربی نوشته شده‌اند) کوششهای دامنه‌داری بعمل آورده است.

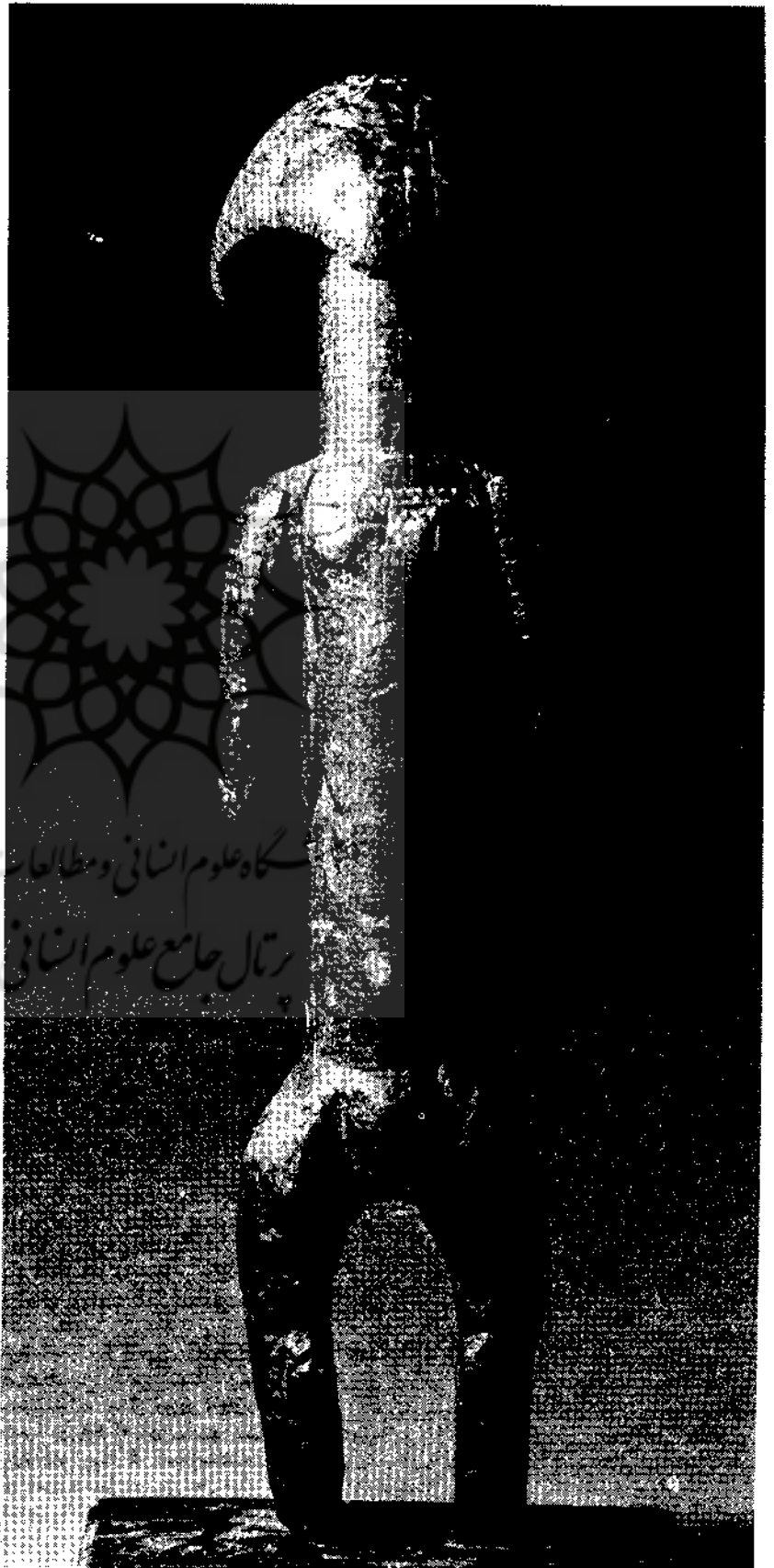


Photo - Afrika Museum, Berg en Dal, Pays Bas

زمان افریقایی

مشاهده میشود که چگونه گذشته از طریق مذهب با زمان حال ارتباط پیدا می‌نماید. واجداد بعنوان اداره کنندگان ممتاز و مستقیم اموری که قرن‌ها پس از مرگشان بوقوع می‌پیوندند معرفی میشوند. همچنین در دبرار بسیاری از سلاطین، کارمندانی که تعبیر خواب میکردند روی فعالیتهای سیاسی تأثیر بسزایی داشتند، این معبران رویهمرفته وزیران آینده به حساب می‌آمدند.

در چنین زمان «معلقی»، تأثیر زمان حال روی آنچه گذشته تلقی میگردد ولی در واقع معاصر باقی می‌ماند امکان‌پذیر است. خون قربانی‌های امروز به نیاکان گذشته نسر و دلگرمی می‌بخشد. و در میان آفریقاییان این رسم هنوز باقی مانده است که همدیگر را وامیدارند تا از ذبح قربانی بخاطر پدران و ماداران متوفای خود غفلت نوزند. زیرا کسانی که چیزی دریافت نمیدارند طبقه فقیر دنیای مشابه را در دنیای مردگان تشکیل میدهند؛ طبقه‌ای که ناگزیرند با دستگیری کسانی که بخاطر آنها قربانی‌های فراوانی میشود زندگی کنند.

بطرز عمیق‌تری، برخی از سیستمهای فکری مربوط بخلقت و پیدایش عالم وجود، پیشرفتهایی را که در یک زمان تاریخی تحقق یافته‌اند بیک زمان اساطیری نسبت میدهند که چون با این عنوان برای هر فردی مفهوم نیست از اینسرو خاطره تاریخی گروه جای آنرا گرفته است. بدینسان افسانه «جی‌کویو» درباره نضتین طرز ساخت آهن بوجود آمده است. این افسانه به قرار زیر است: موگایی (خدا) حیوانات را میان مردان و زنان تقسیم کرده بود. ولی زنان چون بسیار ظالم و قسی‌القلب بودند از اینسرو حیواناتشان به بیابان فرار کردند و وحشی شدند. آنگاه مردان از زناشان نزد موگایی شفاعت کردند و به او گفتند: ما می‌خواهیم به افتخار تو بره‌یی قربانی کنیم ولی نمی‌خواهیم که این کار را با یک گارد چوبی انجام دهیم زیرا می‌ترسیم دچار همان خطری شویم که برای زنان ما پیش آمده است. موگایی خرد آنها را ستود و برای اینکه آنها را با سلاح‌های موثرتری مجهز سازد طرز ذوب کردن آهن را بدانها آموخت.

این مفهوم اساطیری و جمعی بگونه‌یی بود که زمان بصورت یکی از صفات حاکمیت رهبران قوم درمی‌آمد. شیللوکبادشاه؛ امانت‌دار فناپذیر یک قدرت فناپذیر بود زیرا وجود وی ترکیبی از زمان اساطیری (او نمونه مجسمی از قهرمانان بنیانگذار بشمار می‌آمد) و زمان اجتماعی را که منبع نیروی حیاتی گروه تلقی میگردد دربر داشت.

برای پی‌بردن به دید آفریقاییان در مورد زمان و درک مفهوم عمیقی که زمان برای آنها دارد باید تا مفهوم کلی جهان بالا رفت. در این صورت مشاهده میشود که در اندیشه سنتی، زمان، بمعنای معمولی، تنها جنبه‌یی از زمان دیگری است که توسط ابعاد دیگر فرد مورد تجربه قرار میگیرد.

هنگام شب، وقتی مردی روی بوریا یا تختخواب خود دراز میکشد تا بخوابد لحظه‌یی است که همزاد وی برای خروج از خانه و دوباره پیمودن راهی که خود مرد در طول روز آن را پیموده و نیز برای رفت‌وآمد به جاهایی که خود او بدانها رفت‌وآمد کرده و بالاخره برای تکرار اعمال و کارهایی که توسط او آگاهانه در زندگی روزانه انجام گرفته‌اند انتخاب میکند. در طول این سفرها است که همزاد مرد با نیروهای خبیث و شر، با ارواح خوب و مهربان و جادوگرانی که همزادها و یا به‌زبان (سونگهایی و زارما) «سرکوها» را میخوردند برخورد میکنند. شخصیت هر فردی بر همزاد او استوار است. وقتی افراد قبیله «سونگهایی» می‌گویند که همزاد فلانی سنگین یا سبک است منظورشان اینست که او از شخصیت نیرومند یا ضعیفی برخوردار است. استفاده از تعویذ و دعا برای آنست که همزاد شخص مورد حمایت و تقویت قرار گیرد. و کمال مطلوب نیل به مرحله‌یی است که در آن هر فردی بتواند با همزاد خود درهم آمیزد و در آن مستحیل گردد تا بحدی که هر دو وجود واحدی را تشکیل دهند. در این صورت است که انسان میتواند به خرد و نیروی فوق انسانی دست یابد. تنها مرشد و یزرگترین محرم اسرار میتواند به چنین حالتی که در آن زمان و مکان دیگر مانعی را تشکیل نمیدهند نایل آید.

زمان اجتماعی، یعنی تاریخ، که گروه بدینسان آنرا مورد تجربه قرار میدهد قدرتی را در خود انباشته است که چیزی که رئیس قبیله یا شاه آن را بجانشین خود منتقل میکند نماد و شکل محسوس از آن بشمار می‌آید. این چیز ممکن است گلوله زرین باشد که در درون یک طبل جنگی به ضمیمه اجزایی از بدن شیر و قیل یا پلنگ و یا در درون جعبه و صندوقچه‌یی بعنوان نشانه سلطنتی شاهان قبیله «موسی» حفظ و نگهداری میشود. در میان قبیله «سونگهایی» - زارما» این چیز عبارت از یک میله آهنی است که انتهای آن تیز شده باشد و در میان قبیله «سورکو» از قبایل امپراطوری قدیمی «گاوه» عبارت از بتی بود به‌شکل یک ماهی بزرگ که حلقه‌یی در دهان آن وجود داشت و

در اصل مربوط به آفرینش‌گیتی که مورد اعتقاد تقریباً همه ملل آفریقایی است یک خدای آفریننده و نیز خدایان فرعی یا اجداد اساطیری وجود دارد که واسطه میان انسانها و عالم ناپیدا هستند. در مجسمه‌سازی آفریقایی که جنبه مذهبی یا جادوگرانه دارد گاه نمونه‌های مجسمی از این ارواح - حامی روستاها و قبیله‌ها یافت میشوند. هر یک از آنها با خصوصیات اصلی خود و با حالتی نشان داده شده‌اند که با نقشی آنها مطابقت و یا بواقعه‌یی در اساطیر عامیانه اشاره دارد. مثلاً این مجسمه کوچک چوبی (سمت چپ) با بلندی سیزده سانتیمتر بر شک نشان‌دهنده «دیوتگو سرو» یکی از اجداد اساطیری قبایل «شوگون» در کشور مالی است. او که پس از ارتکاب یک سلسله اعمال ممنوع چهره خود را بانقاب پوشاند یادآور خطایی است که از طرف «اوگو» نخستین انسان آفریده شده توسط آما (خدا) سرزد. در صفحه سمت راست تصویر چوبی یکی از اجداد موئت قبایل «سونگا» را در آنگولا مشاهده میکنید، بلندی آن ۴۸ سانتیمتر است.

Photo: Archives Henri et Hélène Kamer, New York

در نزد آهنگران عبارت از يك كوره آهنگری اساطیری است که برای ابراز خشم و غضب خود گاه ششپا گداخته تر میشود. انتقال این چیزها انتقال قانونی قدرت بشمار می آید.

بعنوان جالب ترین نمونه باید «سونیانکه ها»، اخلاف «سنی علی» را نام برد که دارای زنجیرهای طلایی، نقره‌ای و مسی هستند که در آنها هر حلقه‌ای نشان دهنده یکی از اجداد و تمامی زنجیر نشان دهنده سلسله نسب است که در گذشته تا سنی بزرگ یعنی نخستین جد ادامه می یابد. آنها طی مراسم جادوگرانه جلو چشم عده‌ای از تماشاگران حیرت زده زنجیرهای بلعیده شده را بالا می آورند. رئیس خانواده هنگام مرگ برای آخرین بار زنجیر بلعیده شده را بالا می آورد و جانشین منتخب وی از انتهای دیگر آنرا می بلعد. او کمی پس از تحویل زنجیر خود بفردی که باید ادامه دهنده سلسله خانوادگی باشد جهان را بندود میگوید. این وصیتنامه محسوس و عینی نیروی بینش آفریقایی را در مورد زمان اساطیری و زمان اجتماعی بطرز روشنی توجیه می کند.

برخی تصور کرده اند که چنین دیدی از روند تاریخی دید ایستا و بی ثمری بود از آنرو که با قرار دادن نمونه اصلی کامل در گذشته در مبداء زمانها چنین می نماید که برای نسلهای بعدی تکرار قالبی افعال و اعمال برجسته نیاکان بعنوان کمال مطلوب تعیین شده است. ولی آیا اسطوره برای يك تاریخ ساکن و بی حرکت ممکن نیست بعنوان يك انگیزه بکار رود؟ نمی توان تنها باین یگانه مفهوم اندیشه تاریخی نزد آفریقاییان بسنده کرد. باید دانست که مفهوم اساطیری در منشأ تاریخ همه ملل وجود دارد. هر تاریخی در اصل يك تاریخ مقدس و مذهبی است. ولی آیا می توان زمان آفریقایی را بمثابة يك زمان تاریخی تلقی کرد؟ برخی به این پرسش پاسخ منفی داده اند و دلیلی که ارائه نموده اند اینست که آفریقایی دنیا را تنها بدیده يك خلقت مجدد و قالبی آنچه که قبلا بوده می نگرد. پس طبیعی است که او از طرفداران سرسخت و اصلاح ناپذیر گذشته باشد و برای توجیه همه اعمال و حرکات خود هر دقیقه تکرار کند و بگوید: «اجداد ما، چنین کاری کرده اند». خود جنبه اجتماعی مفهوم آفریقایی تاریخ يك بعد تاریخی بی چون و چرا بیدان می بخشد. زیرا تاریخ عبارت از زندگی تکامل یافته گروه است. پس از این نظر میتوان گفت که برای آفریقایی زمان پویاست. نه در بینش سنتی و نه در دید اسلامی که بعدها روی آفریقا تأثیر گذاشته است انسان محکوم نیست که همواره در يك نقطه درجا بزند و هیچگونه پیشرفتی نداشته باشد و یا اینکه کارهای یکسانی را بطور تکراری انجام دهد. البته در صورت عدم وجود مفهوم زمان ریاضی و فیزیکی که با افزایش واحدهای متجاسم مورد محاسبه و سنجش قرار ساخته شده برای این منظور مورد سنجش قرار میگیرد زمان بصورت يك چیز عملی و اجتماعی باقی میماند.

ولی در این مفهوم، زمان عبارت از يك چیز خشنی و بی آتری نیست. نزد آفریقاییان، زمان در مفهوم کلی جهان عبارت از جایی است که در آن انسان میتواند بر ضد کاهش نیروی حیاتی خود و برای افزایش آن دائماً به مبارزه بپردازد. و این بعد اصلی «آیین پرستش ارواح» در میان آفریقاییان است. در این آیین زمان عبارت از میدان محصور و بازاری است که در آن نیروهای ساکن جهان همواره با هم در ستیزند و یا بسوداگری می پردازند. دفاع از خود در مقابل هر گونه کاهش وجود، پیشرفت تقدستی و بهبود اندام، افزایش میزان کشتزارها و گله های گاو و گوسفند، تمداد کودکان و زنان و روستاها غایت آرزوی انسانها و جوامع انسانی در آفریقا

است و بی شک این مفهوم يك مفهوم پویا است. قدرت در آفریقای سیاه غالباً بوسیله کلمه‌ی «نیرو» توجیه میشود. ولی این نیرو تنها عبارت از نیروی مادی خام نیست بلکه عبارت از يك نیروی حیاتی است که نیروهای چند ارزشی گوناگونی را - از تندرستی کامل گرفته تا بخت و اقبال و کمال معنوی - دربر دارد. ارزش اخلاقی در واقع یکی از شرایط لازم اعمال نیکو کارانه قدرت تلقی میشود. خرد عامیانه که در قصه های فراوان بتوصیف رؤسای مستبدی می پردازد که سرانجام مورد مجازات قرار میگیرند و از آنها تقریباً نتیجه اخلاقی تاریخ را میگیرد گواه این طرز تفکر است.

چنین دیدی از جهان که در آن ارزشها و مقتضیات اخلاقی جزء منکملی از نظام خود جهان محسوب میشوند ممکن است افسانه بنظر آید. ولی این دید روی رفتارهای انسانها و خاصه روی رفتارهای بسیاری از رهبران سیاسی آفریقا يك تأثیر عینی بجای میگذارد. در این معنا میتوان گفت که اگرچه تاریخ غالباً وسیله‌ی برای توجیه گذشته شمرده میشود ولی مشوق هم برای آینده بخصاب می آید. در سیستمهای حکومتی مربوط بدوران قبل از تشکیل دولتها، قدرت اخلاقی یکی که قادر به تضمین رهبری امور عامه و یا تادیب اداره کنندگان امور عامه باشد بر عهده جمعیت های خاص و گاه جمعیت های سری از قبیل جمعیت «لو» در میان قبیله «سنوفو» و یا جمعیت «پورو» در کینه علیا محول بود. این جمعیت ها غالباً قدرتهای همطرازی را که می توانستند در حل اختلافات ویا در مواقع دادخواهی نقش مرجع را ایفا کنند تشکیل می دادند ولی گاه سرانجام خود را بطور سری جانشین قدرت رسمی می ساختند. در این صورت مردم آنها را به دیده مراکز سری تصمیم گیری که قادر به سلب قدرت حاکمیت ملت بر سرنوشت خاص خود باشد می نگریستند.

در جامعه‌ی از همین نوع، سازماندهی بصورت گروه های سنی برای رهبری سرنوشت و تاریخ قبیله نهاد بسیار مهمی شمرده می شد. این نهاد تا آنجا که با دوره های متناوب شناخته شده می مطابقت دارد بما امکان میدهد تا بتوانیم تاریخ قبایل را در گذشته تا قرن ۱۸ میلادی دنبال کنیم. ولی این نهاد در زندگی جوامع نیز نقش خاصی را ایفا میکرد. در واقع، حتی در جوامع روستایی که در آنها اختراعات فنی مهمی صورت نگرفته و در نتیجه جوامع نسبتاً ثابتی بوده اند برخوردارهایی در میان نسلها بوقوع پیوسته است. بنابراین آنچه مهم شمرده میشود این بود که با تنظیم جریان نسلها و دادن نظم و ترتیب خاصی بر روابط میان آنها از برخوردها جلوگیری نمود تا به رویارویی های شدید و دگرگونی های ناگهانی منجر نشوند. نسل مسئول و دست اندرکار یکی از اعضای خود را بعنوان نماینده نزد نسلی از جوانانی که می بایست

زمان و رودخانه

بلافاصله جانشین او گردد تعیین میکرد. وظیفه این فرد تسکین بی صبری و بی تابی جوانان نبود بلکه او وظیفه داشت که شور و هیجان بی ملاحظه و بیفکرانه جوانان را که ممکن بود برای تمامی جامعه زیان بخشی باشد و در علاقه مندان بقبول مسئولیتهای عمومی آمادگی چندانی بوجودیاورد به راه صحیحی هدایت کند. بعنوان نمونه می توان جامعه آلابیان موئوسو (در اطراف ایجان) را نام برد که در آن سازماندهی بصورت گروه های سنی (به تعداد پنج نسل که هر نسلی بمدت نه سال حکومت میکنند) هنوز ارزش و اعتبار خود را حتی در فعالیت های تازه‌ی از قبیل کارهای ساختمانی و برگزاری مراسم جشن برای توزیع دانشنامه و با اعطای ترفیع حفظ کرده است.

نزد آفریقایی ها آگاهی از زمان گذشته بسیار شدید بوده است. ولی گذشته اگرچه تأثیر بسزایی روی حال دارد پویایی آنرا بطوری که از ضرب المثل های فراوان بر می آید، از میان نمی برد. مفهوم زمان همانگونه که در جوامع آفریقایی دیده می شود بی شک با نوعی از «طبیعت» آفریقایی ذاتاً یکی نیست و یا اینکه جزء لاینفک آن بشمار نمی آید. و این نشانه مرحله‌ی در رشد اقتصادی واجتماعی است. دلیل این مدعا اختلافات بازری است که حتی اکنون میان «زمان - پول» شهر نشینان آفریقایی و زمان بدانگونه که مفهوم معاصران و برادران آنها در مناطق پوشیده از بوته ها و گیاهان وحشی است مشاهده می گردد.

تکنه اصلی در زمان تاریخی مفهوم رشد و توسعه است که از سرچشمه های که مورد تجسس و بررسی ما هستند آغاز میشود. حتی زیر پوسته قصه ها و افسانه ها و یا زیر پوشش بیسوده اساطیر کوششی برای منطقی ساختن رشد اجتماعی وجود دارد. گاه حتی برای محاسبه زمان تاریخی مساعی مثبت تری انجام گرفته است. زمان تاریخی ممکن است با مکان ارتباط داشته باشد همانگونه که برای توصیف حداقل مدت از زمان برداشتن يك کام صحبت میشود. و یا اینکه مانند زمان يك دم فرو بردن و يك دم بر آوردن ممکن است با زندگی بیولوژیکی ارتباط داشته باشد. ولی زمان تاریخی غالباً با عواملی مربوط است که ربطی با انسان ندارند: عواملی از قبیل پدیده های کیهانی، اقلیمی و اجتماعی، خاصه هنگامی که این پدیده ها تکرار شونده هستند. در علفزارهای پهناور سودان، در میان پیروان مذاهب سنتی سن اشخاص معمولاً از روی فصول باران محاسبه میشود. مثلاً برای اینکه بگویند فلانی آدم سنی است معمولاً تعداد فصول بارانی را که او گذرانده است ذکر میکنند و یا اینکه بطور مستز گفته میشود که او آب بسیار زیادی خورده است.

گاه سیستمهای تکامل یافته تری برای محاسبه زمان ایجاد گردیده است. مثلاً ثابت

در قرن شانزدهم میلادی کشور نیرومندی بنام امپراطوری سونگهایی در سواحل نیجر وسطی قرار داشت. این امپراطوری در قسمت پهناوری از سودان غربی وحدت ایجاد کرده و بصورت کانون یکی از درخشان ترین تمدن درآمده بود. قبایلی که این امپراطوری را تشکیل می دادند از تجارت، کشاورزی و نیز از صید ماهی (مانند قبایل سورگو) زندگی میکردند. مردم شهرهای تجارتی به دین اسلام گرویدند روستاییان غالباً بمعتمدات اجدادی خود وفادار ماندند و به پرستش «همزادها» و ارواح طبیعت همچنان ادامه میدادند قبیله سورگو یکی از قبایل این کشور مانند گذشته از آیین پرستش ارواح بیرونی نموده و باحضار ارواح هوا، زمین و خاصه رودخانه میپرداختند. جد بزرگ اساطیری قبیله سورگو غولی بنام «فاران ما که» بود که در هر وعده غذا يك اسب آبی را بطور کامل می بلعد و آب چندین برکه را برای رفع عطش لاجرم می نوشید. دختر جوان زیبا رویی با موهای روشنی بنام «هارا که» حامی آنها بود. افراد قبیله معتقد بودند که «هارا که» هنگام غروب آفتاب از اعماق آب رودخانه نیجر بیرون می آید و بانتظار عاشق خود روی صخرها می نشیند. وقتی عاشقش فرا میرسد دختر جوان او را بدنبال خود باعماق رودخانه به سوی يك دنیای خیالی با شهرهای درخشان و پرآلایو میکشاند و در آنجا با صدای طبل و سازهای سیمی جشن عروسی خود را برپا میکند. در عکس سمت چپ منظره هوایی رودخانه نیجر را در محلی که مجرای آب بوسیله يك دیوار عظیم سنی و گلی تنگتر گردیده است مشاهده میکنید.



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی



شده که قبایل آکان (فانتی، آشانتی...) شیوه پیچیده‌ی برای گاه‌شماری - با هفته‌ی هفت روزه، ماهی شش هفته و سالی نه ماه - اختراع کرده بودند که براساس شیوه‌ی که هنوز کاملاً روشن نشده بطور متناوب با مدار خورشیدی منطبق می‌گشت. ولی گام قطعی در این زمینه هنگامی برداشته شد که استفاده از خط رواج پیدا کرد. اگرچه وجود یک طبقه باسواد هرگز برای آگاهی همه ملت از یک تاریخ دسته‌جمعی تضمینی بشمار نمی‌آید ولی دست‌کم این امکان بوجود می‌آید که بتوان جریان تاریخی را با شاخصهایی که مسیر آنرا تشکیل میدهند نشان داد.

وانگهی دستیابی بمذاهب توحیدی که در تاریخی معین ریشه‌های خود را استوار نموده‌اند بمضامین ساختن تصویر گذشته جمعی با «الگو-هایی» که غالباً همچون برق ساطع و زودگذر در داستانها بچشم میخورند کمک کرده است. از آن جمله می‌توان پیوندهای ارادی خاندانهای پادشاهی را باصل و منشأ اسلام نام برد که پیامبران سیاهپوست از ارزشها و آرمانهای آن برای دگرگون ساختن جریان امور در کشورهای اصلی خود استفاده نموده‌اند.

ولی دگرگونی در مفهوم زمان خاصه هنگامی ایجاد شد که دلستکی به بهره و بازده اقتصادی و جمع‌آوری پول در جهان رواج پیدا کرد و سپس با انتقال این دلستکی بقراره آفریقا مفهوم زمان انفرادی و جمعی در این سرزمین به تصاویر ذهنی تبدیل گشت که در کشورهای آفریقاییان را از لحاظ اقتصادی و فرهنگی تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. مؤثر و شمرده می‌شوند. آنگاه آفریقاییان پی بردند که غالباً پول است که تاریخ را بوجود می‌آورد. مرد آفریقایی که زمانی آنچنان به تاریخخویش نزدیک بود که گمان میکرد خود وی آنرا در جوامع بسیار کوچک بوجود آورده است از آن پس هم با خطر از خودبیگانگی عظیم و هم با این شانس که خود او در ایجاد پیشرفت جهانی سهمی دارد روبرو شده است.

۴۱. بوبوها
و ژوزف کی-سزوبو



Photo © A.C.L. Bruxelles, Musée Royal de l'Afrique Centrale, Tervuren

نقشی که زن در تاریخ آفریقا بعنوان مادر، همسر، دختر و یا خواهر پادشاه ایفا کرده از حیث اهمیت برابر با نقشی است که در سنن اساطیری به او نسبت داده شده است. مجسمه کوچک چوبی ۵۷ سانتیمتری که در بالا مشاهده میشود نشان‌دهنده یکی از اجداد مونث قبیله «کنگو» است که زندگی قبیله‌ی در آن بطرز عمیقی با پرستی نیاکان پیوند دارد. در این مجسمه علاوه بر وضع سر و حالت چهره که مبین زندگی درونی است حالت سنتی احترام و اطاعت درخور توجه است.

